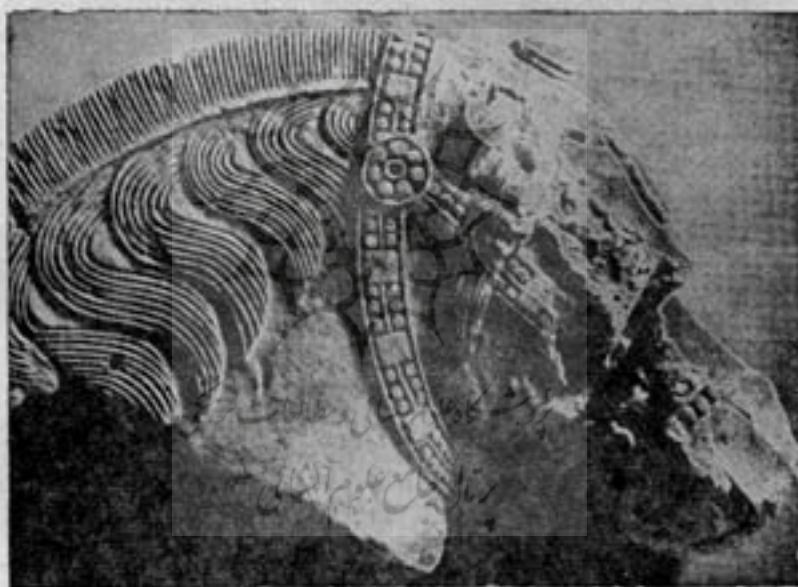


## تھویر جانوران

### در هنر ساسانی

در مقاله قبل سعی کردم این مطلب را روشن کنم که هنرمندان ایران به ساختن مجسمه - مجسمه مستقل و مجزی از ساختمان که مثلاً در میدان عمومی شهر یا مقابل منزل یا در محل دیگری قرار گیرد - علاقه فراوان نشان نداده اند . علت این بی میلی بساختن مجسمه مستقل را آنطور که بسیاری از نویسندگان تصور کرده اند از جهت منع مذهبی نباید تصور کرد، زیرا بفرس اینکے مذهب اسلام مجسمه سازی را منع کرده باشد در ایران پیش از اسلام چنین منعی وجود نداشت .



سکه بری ۴۹×۷۴ سانی متر (موزة دولتی برلن)

هرودوت مورخ یونانی درجائی که از مذهب ایرانیان قدیم سخن می گوید می نویسد : «اینان حتی برای خدا یا نشان مجسمه نمی سازند» . در همان ایامی که در ایران تمدن درخشانی بوجود آمده بود در کشور های همجوار از قبیل مصر و آشور مجسمه های متعددی برای خدایان و فراتنه و حتی برای اشخاص معمولی (مانند مجسمه شیخ البلد در موزة قاهره) ساخته می شد.

در این مقاله سعی خواهم کرد که این مطلب را روشن کنم که در تمام ادوار صنعتی ایران خصوصاً در زمان ساسانیان شکل بعضی از حیوانات را بسیار بهتر از انسان نقش می کرده اند. قطعاً خوانندگان این مقاله لااقل عکس نقش معروف هفت ایوان در طاق بستان که خسرو ساسانی را سوار بر اسب زیبایی نشان می دهد دیده اند. در اینجا نگارنده عکس يك قطعه گچ بری بابعاد ۳۹ در ۷۳ سانتیمتر را که در موزه دولتی برلن محفوظ است و در خرابه های یکی از ابنیه زمان ساسانیان در ایران پیدا شده ارائه می دهد. خوانندگان خود توجه می فرمایند که تاجه میزان این نقش به طبیعت نزدیک است و حالت طبیعی اسب را نشان می دهد و در عین حال که حالت حیوان طبیعی است بالهای او بطرز مصنوعی نقش شده است. گچ بر آن زمان ظاهراً نمی توانسته است بهتر از



نقش گچ بری بارطاق ۴۹ سانتی متر متعلق به موزه پنسلوانیا (کالیفرنیا)

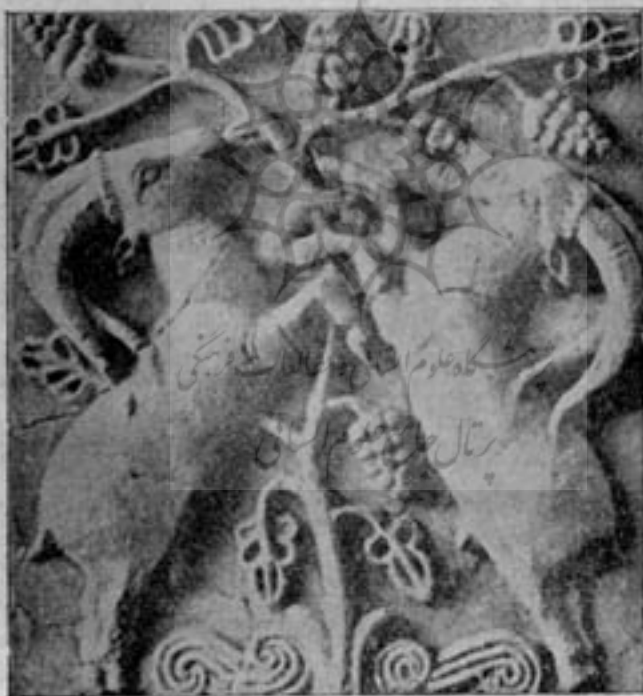
این، یعنی طبیعی ترا از این، بالهای اسب را بر روی گچ بنمایاند. با این حال مجموع این نقش که احتمالاً قسمتی از داخل کاخی را تزئین می کرده بسیار زیباست و چشم و روح از دیدن آن لذت می برد. گذشته از جنبه هنری، این نقش بمنزله

امضائی از هنرمند ایرانی در زمان ساسانیان می باشد. شما هر کجا چنین اسبی را با این بال و پالین پوزه و با این تزئین دهانه و گردن بند دیدید می توانید اطمینان داشته باشید که کار هنرمند زمان ساسانی است.  
در عکس دیگری در همین مقاله نقش گوزنی را - با ارتفاع ۴۱ سانتیمتر - ملاحظه می کنید که در گچ تراشیده شده و در ضمن حفاریهای میسیون آمریکائی در دامغان کشف شده و امروز در موزه نیپلوانیا در شهر فیلادلفی است .



نقش برجسته گچی روی از مدالی با ابعاد ۳۸×۲۸ سانتی متر (موزه دولتی برلین)  
حالت این گوزن بسیار طبیعی است و بسیار طبیعی تراز حالت انسانها نیست که که در زمان ساسانیان هنرمندان ایرانی روی گچ یا سنگ نقش کرده اند .  
مردمان آن روز از دیدن این حیوان با شاخهای بلند که مشغول چریدن است لذت می بردند و آنرا در کاخهای خود نقش می کردند . این نقش حیوان نیز بمنزله امضائی از هنرمندان زمان ساسانی در ایران است که در نقاط دیگری در دنیا پیدائی شود و شما هر جا آنرا دیدید با کمال اطمینان می توانید بگوئید هنر ایران قدیم است.  
در این مقاله نقشی دیگر از دوزب کوهی ملاحظه می کنید که در دو طرف درختی یعنی در چنگلی مشغول چریدن یا خوردن میوه های درخت می باشند.  
این نقش در ایران سابقه زیاد دارد. از شش هزار سال قبل مردم ناحیه

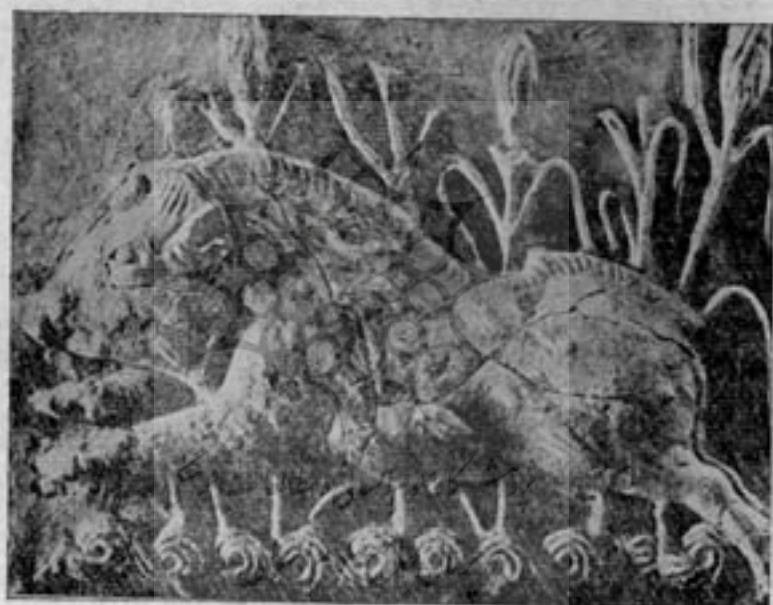
شوش تصویر دو بز کوهی را که در طرفین درختی قرار دارند روی مهرهای خود و در معابد و کاخهای خود و حتی روی طلسم‌های خود نقش می‌کردند. چند سال قبل مستشرق معروف فرانسوی دکتر کوتنوک که موفق بقرائت مقدار کثیری از کتیبه‌های ایلامی شد کتابی تحت عنوان «سرنوشت رستم ایلام باقیه گیلگامش» چاپ کرد و معلوم شد که نقش این بزغاله‌ها مربوط به عقاید مذهبی آن زمان است و درختی که در میان آنها قرار گرفته میوه‌هایی دارد که خوردن آن بهر کس حیات جاودانی می‌دهد. گیلگامش یار رستم ایلام برای دست یافتن باین درخت می‌رود و تمام موانع خارق‌العاده ابرا که خدایان در راهش گسترده بودند مرتفع می‌کند، ولی متأسفانه هینکه نزدیک به آن درخت میرسد بحیات او خاتمه داده می‌شود و موفق بخوردن میوه‌های آن نمی‌شود. آیا این درخت میوه‌های آن همان نیست که همه ما همواره بدنیاال آن می‌رویم و هیچوقت بآن نمی‌رسیم؟



نقش برجسته بری با ابعاد ۴۷×۴۵ سانتی متر از دوره ساسانی (موزه دولتی برلین)  
گیلگامش در حدود هزار سال قبل از میلاد مسیح خدای شماره اول  
مردم آریایی نژاد ناحیه کردستان شد و از آن روز جاداد کردها و لرهای امروزی

بارها دوز کوهی و درخت موعود را روی طلسم‌های خود تصویر کردند و در معابد خود قرار دادند تا آرزوهایشان برآورده شود.

دورزمان ساسانیان هنرمندان ایران نقش بز و درخت مقدس را که از ایام قدیم باقی مانده می‌دیدند، ولی بمعنای اصلی آن پی نمی‌بردند. با این حال از این نقش خوششان می‌آمد، زیرا بدون اینکه متوجه باشند ذوق هنری آنها با ذوق هنری مردم چندین هزار سال قبل در مشرق زمین تطبیق می‌کرد. پس این را از خود دانستند و روی قابلیها و ظروف فلزی و دیوارهای کاخ‌هایشان آن را نقش کردند بدون اینکه بمعنای حقیقی آن پی ببرند.



نقش صیج بری با ابعاد ۴۰×۴۸ از مدائن متعلق به موزه دولتی برلین

نقش دیگری که در این مقاله داده می‌شود نقش حیوانی است که در جنگلی بر بالای کوه در حال فرار است و بدون شك نقش شکارچی هم در دنبال آن بوده است. این گچ بری ۲۸ سانتیمتر عرض و ۳۸ سانتیمتر طول دارد و اکنون در موزه دولتی برلین محفوظ است و از محل کاخ معروف مدائن در تیسفون در کنار دجله پیدا شده است و می‌دانیم که کاخ مدائن یکی از عجایب سبعة دنیسای قدیم و پایتخت معروف اشکانیان و ساسانیان است.

بر کهایی که روی بدن حیوان ملاحظه می‌کنید اتفاقی نیست. هنرمند

خواسته است نشان بدهد که این حیوان کاملاً در میان جنگل مخفی و برك درختان مانع از دیدن آن حیوان است. ولی چگونه میشود حیوانی را که در جلو شکارچی فرار می کند و در میان درختان مخفی می شود بمانشان



رسمتی از قش طاقستان

داد؛ هنرمند جز این چاره ندارد که کمی از برگهای درختان را کنار بزند تا حیوان نمایان شود. شاید هم هنرمند باین وسیله خواسته پشمهای انبوهی که بر پشت حیوان نشان داده باشد.

بهر حال این حیوان در کوهی قرار دارد و قله های کوه بصورت کله قندهائی دوزیر پاهای او نشان داده شده است، و این حیوان شاید خرس باشد. تصویر دیگر این مقاله که آنهم روی گچ نقش شده باید شکل گرازی باشد که در میان مردابی در حرکت است. آب رودخانه یا مرداب بصورت ماریچهائی در زیر پای آن معلوم است. گچ تراش حیوان را در حال طبیعی و با حرکت تقریباً درست نشان داده است، ولی مانند نقاش امروز قادر نبوده است که آنچه را در طبیعت می دیده باده بدیده بوده در صفحه نقاشی یا گچ بری بنمایاند. احتمالاً هنرمند این قبیل مناظر را باینده بالا اقل موقع انجام کار خود دره قابل چشم نداشته، مانند این است که سنگ تراشان و گچ تراشان و نقاشان آن روز طبیعت را مانند نقاشان امروزی با هنرمندان ایتالیائی در دوره رنسانس مطالعه نمی کرده اند.

اثری که از خود می گذاشتند نتیجه تشکیل آنها بود. فرض می کردند که جنگلی روی کوهی است و در میان آن حیوانی است و کوه را بصورت کله قند هائی فرض می کردند بدون اینکه متوجه باشند حیوان را اگر در قله این کوهها باشد دیده نمی شود. بنابراین متوسل پشته ها و مسبل هائی می شدند که از حقیقت دور بود.

ولی این کار از زمان آشوریها در ایران موسوم شده بود و از ابتکارات هنرمندان زمان ساسانیان نیست. *علوم انسانی و مطالعات فرهنگی* پرویز بهنام

.....  
*رساله جامع علوم انسانی*  
 دو شعر چینی

بر ناقوس بزرگ معبد  
 پروانه ای  
 خوش خفته است  
 (بوسن)

اکنون برفها گداخته است  
 و شهرک ما  
 از کودکان لبریز است.

(ایسا)